



شکست رژیم در مقابله با زنان، از هم اکنون قطعی است

تابستان است و فرصت برای سرکوبگران جمهوری اسلامی مغتنم تا مثل هر سال شمشیر سرکوبگری خود را در سپهر سیاسی ایران به جولان در آورند. امسال اما از آنجا که شرایط برای بقا و ادامه کاری جمهوری اسلامی به گونه ای دیگر رقم خورده است و از آنجا که فضای سیاسی ایران بسیار متلاطم و طوفانی است، ستادهای به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر رژیم اسلامی به تبعیت از فرامین خامنه ای با دستوالعمل های به مراتب شدیدتری نسبت به تابستان های گذشته به صحنه رویارویی با زنان کشور روی آورده اند.

طی دو هفته گذشته صدور دستورالعمل های سختگیرانه برای آزار و اذیت زنان آنچنان شتاب گرفته است، که گویی غول خفته حکومت طالبانی حاکم بر ایران سراسیمه از خواب زمستانی بیدار شده و با چشمانی خواب آلود و با تصور اینکه "خدای سال ۱۴۰۱ همانند خدای سال ۱۳۶۰" می تواند نجات بخش آنان باشد، آشکارتر از هر زمانی حضور هیولایی خود را در متن جامعه به نمایش گذاشته اند. آنان طی روزهای گذشته در مسیر سرکوب و بی حقوقی زنان تا بدانجا پیش رفته اند که نه تنها بر ممنوعیت ورود زنان "بی حجاب" به ادارات و بانک ها و بیمارستان ها تاکید دارند، بلکه با دستورالعمل های شدیدتر از سال ۱۳۶۰، ورود زنان به اصطلاح فاقد "حجاب شرعی" را به مترو نیز ممنوع کرده اند. غافل از اینکه در شرایط انقلابی موجود، خدای سال ۱۳۶۰ برای همیشه مرده است و جمهوری اسلامی با رویای خوش آن سال، هرگز قادر به زنده کردن خدای سرکوب و زندان و شکنجه و داغ و درفش سال ۶۰ در سال ۱۴۰۱ نخواهد بود. چرا که نه مردم

در صفحه ۲

زنده باد اعتصاب، زنده باد اتحاد

در صفحه ۶

مبارزات کارگران معدن سونگون و راهحل قطعی غلبه بر مشکلات

اعتصاب و تجمع یکپارچه ۳ هزار کارگر مجتمع مس سونگون ورزقان که از روز سه شنبه ۱۴ تیر آغاز شد در پنجمین روز خود با سانسور و بایکوت خبری شدیدی روبرو گشت تا در ظاهر وضعیت آرامی از این معدن به تصویر کشیده شود. کارگران مجتمع مس سونگون مشغول به کار در شرکت های پیمانکاری آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی، در روز سه شنبه ۱۴ تیر با خواست افزایش دستمزد و همسان سازی حقوق و در اعتراض به بازداشت دو تن از همکاران خود (ولی الله محمودی نماینده کارگران آهن آجین و ارشد کاظم پور که در صبح همین روز دستگیر شده بودند)، دست از



در صفحه ۳

زد و بند با دولتی تروریست، گروگان گیر و باجگیر

زد و بندهای خلاف منافع مردم میان دولت های سرمایه داری، امری مرسوم و معمول است. آن ها هرگاه که منافعیان ایجاب کند از رسواترین و رذیلاته ترین بده و بیستان ها نیز ایابی ندارند. تفاوتی هم نمی کند که نامشان دمکراسی پارلمانی باشد، یا دولتی اقتدارگرا و استبدادی. ماجرای زد و بند میان دولت بلژیک و جمهوری اسلامی بر سر آزاد کردن تروریست های جمهوری اسلامی، زیرپوشش مبادله مجرمان میان این دو کشور، تازه ترین نمونه از همین زد و بندها است.

اخبار و گزارش های روزهای اخیر حاکی است که چند ماه پیش دولت های بلژیک و رژیم آدمکش و تروریست جمهوری اسلامی مخفیانه یک قرارداد برای انتقال زندانیان میان دو کشور با یکدیگر امضا در صفحه ۸

چرایی "نظر سازی" های اخیر حاکمیت

نسبی ایرانیان، هم از وضعیت اجتماعی خود و هم از عملکرد دولت در برخی حوزه ها حکایت می کند. اما درست در همین شرایط، برخی منتقدان داخلی دولت، با تکیه بر نظرسنجی های غیرمعتبر مراکز و مؤسسات غربی، نتایج کاملاً معکوسی را به جامعه مخابره می کنند.

آش این گزارش آن قدر شور بود که حتا صدای بسیاری از خادمان نظام اسلامی را در آورد، همان هایی که در طول این سال ها برای حفظ نظام حاکم چنایت های بی شماری را مرتکب شده اند. حقیقتاً عضو سابق شورای شهر تهران با بیان اینکه "این آمار سازی ها که رضایت عمده مردم را نشان می دهد نوعی

در صفحه ۵

در پی انتشار نظرسنجی هایی از افزایش نارضایتی مردم از سوی برخی موسسات خارجی از جمله "شرکت تحلیل داده های استاتیس" که در اواخر خرداد نتایج نظرسنجی خود را از افزایش نارضایتی مردم از جمهوری اسلامی و رویگردانی از دو جناح "اصولگرا" و "اصلاح طلب" منتشر کرد، روزنامه ایران روز دوشنبه ۱۳ تیر با انتشار گزارشی با عنوان "۷۰ درصد مردم امیدوار به آینده" از افزایش امید و شادی و رضایت مندی در میان مردم براساس نظرسنجی "موسسات معتبر" خبر داد. روزنامه ایران در گزارش خود نوشت: "نظرسنجی های مراکز معتبر افکار سنجی داخلی، از امید به آینده، روشن بودن افق و رضایت

شکست رژیم در مقابله با زنان، از هم اکنون قطعی است

ایران همان مردمان سال ۶۰ هستند و نه جمهوری اسلامی از قدرت و اقتدار و نفوذ آن سال برخوردار است.

با این همه و به رغم شرایط بحرانی و بسیار شکننده ای که جمهوری اسلامی در آن بسر می برد، سرکوبگران این رژیم اما شروع فصل گرما را غنیمت شمرده و به بهانه رعایت "حجاب و عفاف"، تشدید سرکوب و بی حقوقی زنان را در دستور کار خود قرار داده و از منظر سرکوب زنان رؤیای سرکوب جامعه را در سر می پروراندند. جمهوری اسلامی با چنین تصویری، پروژه سرکوب تابستانی زنان را با سازماندهی "قرارگاه حجاب ستاد امر به معروف و نهی از منکر" آغاز کرد و با شکل گیری "قرارگاه ۲۱ تیر"، اجرای این پروژه را با محوریت سرکوب زنان در مشهد به آزمایش گذاشت. قرارگاهی که از خرداد ماه سال جاری با مستقر کردن نیروهای خود در "ادارات و بانک ها" سازماندهی شد و به طور علنی فعالیت سرکوبگرانه خود را آغاز کرد. با دستورالعمل های ابلاغی مسئولان "قرارگاه حجاب"، تیم های گشت این قرارگاه موظف هستند در اماکن و ادارات مورد ماموریت خود، پرسنل زن و مرد را زیر نظر داشته و بدون اینکه بخواهند به آنان تذکری بدهند، مراتب را به مدیر مربوطه اطلاع دهند.

ابلاغ دستورالعمل های این چنینی به تدریج ابعاد وسیعتری گرفت و کم کم به صدور ابلاغیه هایی در مورد چگونگی تصویر پروفایل شهروندان در شبکه های اجتماعی رسید. بعد هم نوبت دستگاه قضایی شد که با دستورالعمل های امنیتی، اقدامات محدود کننده تری را علیه زنان به مرحله اجرا درآورد. در این میان مشهد پیش قراول تست و آزمایش پروژه تشدید سرکوب زنان شد. اسماعیل رحمانی، معاون دادستان مشهد با ارسال نامه ای به فرمانداری این شهر از او خواست تا ارائه هرگونه خدمات به افراد فاقد "حجاب شرعی" را در "اداره ها و بانک ها" ممنوع کنند. معاون دادستان مشهد، در "خصوص ضرورت جلوگیری از بانوان فاقد "حجاب شرعی" به مترو" و ادارات دولتی نوشت: "کوتاهی مامورین که منجر به پذیرش وضعیت مجرمانه و ترویج ابتدال باشد... قابل پیگرد قضایی است... نظر به عدم وصول گزارش مبنی بر انجام موثر دستور قضایی، کپی دستور قضایی مورد اشاره جهت طرح قرارگاه اجتماعی عفاف و حجاب و پیگیری و اجرا ارسال می شود... بدیهی است در صورت عدم اجرا، حداکثر تا تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۱ به مقررات و عوامل ترک فعل کننده برخورد قضایی صورت خواهد گرفت."

اینکه چرا شروع اجرای این پروژه به مشهد محول شد دلایلی دارد. طبیعتاً مشهد به عنوان

شهری "خودمختار" که در حیطه انحصاری علم الهدا نماینده به غایت مرتجع خامنه ای قرار دارد، منطقه ای مناسب برای اجرای این پروژه سرکوبگرانه بود.

با این همه و آنگونه که انتظار می رفت، پروژه تشدید سرکوب زنان در مشهد و خراسان متوقف نشد و به تدریج به دیگر مناطق کشور هم سرایت کرد. چرا که مشکل جمهوری اسلامی صرفاً به مشهد و خراسان محدود نمی شود و این رژیم نه فقط با زنان که با تمامی مردم ایران مشکل دارد. از این رو پروژه سرکوب زنان در اندک زمانی به قم و سپس به فارس و از آنجا به سرتاسر ایران کشیده شد. در قم کافه هایی که از آن ها به عنوان کافه مختلط نام برده می شد، پلمپ و صاحبان آن ها برای برخورد به اصطلاح قانونی به اداره اماکن احضار شدند. در استان فارس نیز محمد هادی ایمانیه، استاندار این استان برای اینکه از قافله عقب نماند، در مورد رعایت حجاب و پوشش اسلامی در ادارات اعلام کرد: "کسانی که نمی توانند در چارچوب حرکت کنند، بروند مرخصی بدون حقوق بگیرند تا زمانی که بتوانند به قوانین احترام بگذارند."

سوالاتی که اکنون باید بدان پاسخ داد این است که چرا جمهوری اسلامی در این برهه زمانی در چنین ابعاد گسترده ای به سرکوب زنان روی آورده است؟ آیا این سرکوب فقط در محدوده زنان خواهد بود یا برای کل جامعه برنامه ریزی شده است؟ و مهمتر اینکه جمهوری اسلامی در اجرای دستورالعمل های سرکوبگرانه خود موفق خواهد بود یا زنان و عموم مردم ایران با سربلندی از این وضعیت سرکوب عبور خواهند کرد؟

تا کنون از شروع زمامداری ابراهیم رئیسی فقط یک سال گذشته است. طی همین مدت کوتاه، ناتوانی کابینه رئیسی برای مقابله با بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جمهوری اسلامی و نیز ناتوانی ابراهیم رئیسی در پاسخگویی به معضلات معیشتی مردم آنچنان برای همگان روشن شده است که حتا بخش وسیعی از رای دهندگان ناچیز او هم از عملکرد دولت مورد اعتماد خامنه ای سرخورده هستند. در یک سال گذشته، اعتصابات کارگری و نحو اعتراضات خیابانی معلمان و بازنشستگان به نحو چشمگیری افزایش یافته است. نارضایتی عمومی کل جامعه را فرا گرفته است. در پی تشدید نارضایتی علنی مردم از افزایش شدید قیمت اقلام مصرفی و افسار گسیختگی تورم، هم اینک جامعه به مرز انفجار رسیده است. شکاف، فرسودگی و از هم گسیختگی درونی رژیم به طرز آشکاری بازتاب بیرونی یافته است. این روزها واکنش ها نسبت به عملکرد خامنه ای و رئیس جمهور انتصابی او از متن جامعه فراتر رفته و به لایه هایی در درون رژیم هم سرایت

کرده است. در دو ماه گذشته انتقادات نسبت به عملکرد ابراهیم رئیسی از جمیع جهات آنچنان بالا گرفته بود که دیگر حتا فرصتی برای رئیسی و کابینه او در همان حد پاسخگویی توجیه گرانه هم باقی نمانده بود. همه این رخدادها در شرایطی به وقوع پیوسته است، که خامنه ای و هیئت حاکمه ایران بر این باور بودند که با روی کار آوردن رئیسی و ساماندهی یک حاکمیت به اصطلاح یکدست راه حلی برای برون رفت از بحران های موجود خواهند یافت. در عمل اما نه تنها اینگونه نشد، نه تنها خواست خامنه ای برآورده نشد، بلکه اوضاع از جمیع جهات نسبت به دوران پیش از روی کار آمدن ابراهیم رئیسی به مراتب بدتر هم شد.

حال در چنین فضایی که بیش از هر زمانی شکست های پیاپی، ناکارایی کابینه رئیسی و تشدید بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم در جامعه بازتابی عمومی یافته است، ایجاد یک بحران روانی موقت و کشاندن افکار عمومی از انبوه مشکلات اقتصادی، تورمی و معیشتی مردم به سمت اجرای پروژه "عفاف و حجاب"، دست کم بخشی از اهداف اولیه جمهوری اسلامی و به طور اخص کابینه رئیسی در این بازه زمانی معین است. چرا که اجرای پروژه تشدید سرکوب زنان، آنهم در شرایطی که کشتی جمهوری اسلامی به شدت به گل نشسته است، دست کم برای مدت کوتاهی هم که شده است، فرصتی مغتنم برای رژیم و کابینه رئیسی است تا لبه تیز حملات و اعتراضات علنی توده های مردم ایران را از روی کابینه رئیسی منحرف و مسیر مبارزه و مقابله علنی توده های خشمگین ایران از کلیت رژیم به سمت ستادهای "امر به معروف و نهی از منکر" کشیده شود.

دوم اینکه، با اختصاص بودجه های کلان، زمینه های رانت خواری و پرورکردن نهادهای زیر مجموعه خامنه ای از جمله "قرارگاه حجاب امر به معروف و نهی از منکر" به گونه ای فراهم می شود که آنان در پی پمپاژ بودجه های کلان و با دمیدن انگیزه های مادی هم که شده بتوانند بخشی از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را برای سرکوب زنان و به طریق اولی برای سرکوب کل جامعه به هنگام وقوع تکان های بزرگ اجتماعی حفظ و سازماندهی کنند. لذا بر اساس همه واقعیت های موجود می توان گفت، آنچه را که خامنه ای و هیئت حاکمه ایران هم اینک در سر می پروراندند، نه صرفاً تشدید سرکوب در محدوده زنان، بلکه گسترش آن به کل جامعه است.

اینکه جمهوری اسلامی در پیشبرد چنین اقدامات سرکوبگرانه ای - آنهم در شرایط کنونی جامعه - موفق خواهد بود یا نه، امری است که هم اینک می توان گفت جمهوری اسلامی در پیشبرد پروژه "عفاف و حجاب" سازماندهی شده در "قرارگاه ۲۱ تیر"* با شکست مواجه شده است. ناگفته پیداست که هدف غایی جمهوری اسلامی در اجرای اینگونه اقدامات سرکوبگرانه، ایجاد

در صفحه ۴

ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

مبارزات کارگران معدن سونگون و راه‌حل قطعی غلبه بر مشکلات



سازند. کارفرما در عین حال قول داد به خواست‌های کارگران رسیدگی کند. اما طبق معمول به قول خود وفا نکرد. کارگران راه دیگری جز اعتراض و اعتصاب نداشتند. اواسط مهر سال گذشته با خواست افزایش دستمزد، قرارداد دائمی، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، رفع تبعیض میان نیروهای رسمی و غیررسمی و همسان‌سازی حقوق وارد یک اعتصاب سه‌روزه شدند. در آن اعتصاب یکپارچه، مدیرعامل شرکت ملی مس، هنگام مذاکره با نمایندگان کارگران قول داد به خواست‌های کارگران رسیدگی و قرارداد همه کارگران یکساله شود. اما این وعده نیز عملی نشد. اواخر آبان ۱۴۰۰ مدیریت شرکت به بهانه اتمام قرارداد، از ورود ۶۰ کارگر از جمله کارگران پیشرو و مورد اعتماد کارگران، به شرکت ممانعت به عمل آورد و آن‌ها را اخراج کرد. اعتصاب کارگران در اعتراض به این اقدام و برای پیگیری سایر مطالبات از ۳۰ آبان آغاز شد و به مدت سه روز ادامه یافت. مدیریت وادار به عقب‌نشینی شد و پذیرفت کارگران اخراجی به سرکار قبلی بازگردند و قرارداد آن‌ها تمدید شود. همچنین از بازنگری قراردادها صحبت کرد و اینکه به‌زودی قراردادهای جدید منعقد خواهد شد. آخرین اعتصاب کارگران مبارز معدن سونگون، یک اعتصاب سه‌روزه در خردادماه سال جاری و یکی از خواست‌های اصلی کارگران اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بود. مدیریت شرکت طرح سرهم‌بندی شده‌ای را در این زمینه به میان کشید. در آن اعتصاب نیز مانند موارد پیشین، مدیریت در همدستی کامل و نزدیک با نهادهای امنیتی و سرکوب، ضمن پرونده‌سازی برای نمایندگان کارگران و کارگران پیشرو و نسبت دادن اتهاماتی از قبیل "اخلال در تولید ملی" و "برهم زدن نظم عمومی" و امثال آن، با زور و فشار و تهدید این طرح را بر کارگران تحمیل کرد. اما مشکل طبقه‌بندی مشاغل در معدن مس سونگون حل نشد. در اعتصاب اخیر نیز اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل کماکان یکی از خواست‌های محوری و مهم کارگران است.

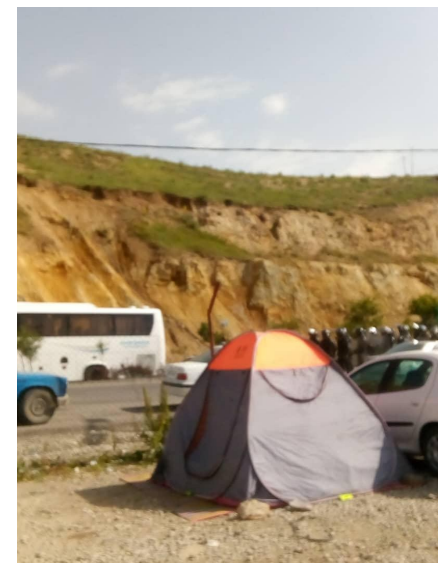
مجمع مس سونگون ورزقان آذربایجان، متعلق به "شرکت ملی صنایع مس ایران" است. کار این

در صفحه ۴

جباریان و فرزاد زالی زاده دستگیر شدند و تعداد کارگران بازداشتی به ۷ نفر رسید. جمعه ۱۷ تیر، اعتصاب وارد چهارمین روز خود شد. نیمه‌شب همین روز (ساعت ۱۲ شب) برای سرکوب قطعی کارگران کمیت بازم بیشتری از نیروهای یگان ویژه وارد مجتمع شدند و با ارباب و تهدید و اعمال زور سعی کردند چادرهایی را که کارگران برپا کرده بودند جمع کنند و با کنار زدن خودروها، ورودی معدن را باز کنند. مدیریت مجتمع در همدستی کامل با نهادهای اداری و امنیتی و انتظامی، سعی داشت بدون آنکه خواست کارگران را برآورده کند و با کمترین امتیازی به کارگران بدهد، اعتصاب را بشکند و به آن پایان دهد. ساعت یک بامداد حسین فتحی مدیرکل اداره کار آذربایجان شرقی همراه با مدیر مجتمع مس سونگون و فرمانده انتظامی منطقه، به میان کارگران رفتند و سعی کردند با وعده‌های توخالی و در عین حال تهدیدات لفظی کارگران را آرام و در واقع پراکنده سازند. اما کارگران قبل از هر چیز خواهان آزادی همکاران خود شدند. کارگران با اشاره به صحبت‌ها و دروغ‌های فتحی مدیرکل کار استان در شبکه استانی که منکر هرگونه برخورد فیزیکی با کارگران شده بود، حاضر نشدند با وی وارد گفتگو شوند و بار دیگر مصراحت خواستار آزادی همکاران خویش شدند. ناگفته نماند که همین شب، اسماعیل ایزد خواه از کارگران شرکت آهن آجین نیز در منزل خود بازداشت شده بود. از میان چندین کارگر بازداشتی تنها سعید جباری که روز پنجشنبه در جریان یورش وحشیانه نیروهای سرکوب دستگیر شده بود آزاد شد و تا امروز ۱۸ تیر پنجمین روز اعتصاب از سرنوشت ۷ کارگر زندانی خبر موثقی در دست نیست.

این نخستین بار نیست که کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به شرایط کاری و برای بهبود آن و افزایش دستمزد، دست به اعتصاب و تجمع شبانه‌روزی می‌زنند. کارگران معدن مس سونگون سال‌هاست زیر پوشش شرکت‌های پیمانکاری با قراردادهای موقت یک‌ماهه یا سه‌ماهه مشغول به کار هستند. این کارگران علی‌رغم کار سخت و طاقت‌فرسای معدن، دستمزدهای ناچیزی دریافت می‌کنند و به‌رغم اینکه از ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، اما کماکان به‌صورت قراردادی کار می‌کنند و مطلقاً فاقد ضمانت شغلی هستند. کارگران معدن مس سونگون در ظرف یک سال گذشته چندین بار دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند، اما هیچ‌گونه بهبود اساسی در وضعیت دستمزد و شرایط کار آن‌ها به وجود نیامده است. تیرماه سال گذشته (۱۴۰۰) در اعتراض به تلاش کارفرما برای تحمیل قراردادهای سفید امضا و برای رسیدگی به سایر مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و توانستند تلاش کارفرما را خنثی و عقیم

کار کشیدند و با تجمع در محوطه معدن، خواهان آزادی همکاران و رسیدگی به خواست‌های خود شدند. حدود ۱۲۰۰ تن از کارگران، شب را در چادرهایی که در محل برپا کرده بودند، یا در داخل وسایل نقلیه خود یا روی زمین به صبح رساندند. دومین روز اعتصاب (چهارشنبه ۱۵ تیر) سه کارگر دیگر به نام‌های: جعفر عباسپور، مهرداد منفرد و خدایی توسط نهادهای امنیتی و سرکوب بازداشت شدند. همین روز مدیریت مجتمع مس سونگون در راستای هرچه بیشتر تحت‌فشار گذاشتن کارگران برای شکستن اعتصاب، اقدام به تعطیلی آشپزخانه کرد و حتی مانع انتقال آب آشامیدنی برای مصرف کارگران اعتصابی شد. همان شب نیروهای امنیتی و یگان‌های ویژه در سطح شهر زرگان نیز مستقر شده و تهدید کردند که اگر کارگران به اعتصاب پایان ندهند به آنان حمله خواهند کرد. کارگران اما در دومین روز اعتصاب، ورودی معدن را مسدود ساختند و از خروج مواد کنستانتتره از معدن جلوگیری نمودند. در عین حال کارگران هشدار دادند اگر با برخوردهای سرکوب‌گرانه روبرو شوند، اعتراضات و



تجمعات خویش را به خیابان‌های شهر می‌کشاند. مدیریت شرکت و نهادهای امنیتی و انتظامی همدست آن، با اعمال فشار بیشتر بر کارگران، آزادی کارگران بازداشتی را به پایان اعتصاب و تجمع مشروط کردند. در روز پنجشنبه ۱۶ تیر واحدهای یگان‌های ویژه برای سرکوب اعتصاب‌کنندگان به محل اعزام شدند. مزدوران یگان ویژه صفوف کارگران اعتصابی را وحشیانه مورد حمله قرار دادند و با ضرب و شتم و اعمال قهر علیه کارگران، سعی کردند کارگران را پراکنده کنند. در جریان این حمله وحشیانه نیز دو کارگر دیگر به نام‌های: سعید

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

مبارزات کارگران معدن سونگون و راهحل قطعی غلبه بر مشکلات

شرکت، تولید و استخراج مس است و در زمینه اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری مس، همچنین تولید محصولات مسی نیز فعالیت می‌کند. معدن مس سرچشمه و می‌دوک در استان کرمان نیز متعلق به همین شرکت است. مجتمع مس سونگون، دومین قطب بزرگ تولید مس در کشور و هفتمین در جهان است که بیش از ۴۰۰۰ نفر در آن کار می‌کنند و ۳۰ درصد نیاز کشور را تأمین می‌کند. عمده فعالیت‌های استخراج و تولید مس، به شرکت‌های متعدد پیمانکاری واگذار شده است که کارگران از لحاظ شرایط کاری و دستمزد و مزایا در بدترین وضع ممکن قرار دارند، گاه حتی از بیمه مناسب محرومند و به شدت استثمار می‌شوند.

سیاست خصوصی‌سازی و واگذاری معادن به بخش خصوصی و شرکت‌های پیمانکاری،



عواقب وخیمی را برای کارگران در پی داشته است. بیش از ۹۵ درصد از ۴۵۰۰ معدن فعال در کشور به بخش خصوصی واگذار شده و چند صد معدن باقی‌مانده نیز یکی‌یکی به بخش خصوصی واگذار و یا به کلی تعطیل می‌شوند. این سیاست تاکنون اخراج و بیکارسازی صدها هزار کارگر را در پی داشته است. تازمترین نمونه که قطعاً آخرین مورد خواهد بود، اعلام تعطیلی معدن کرومیت آسمی نون منو جان در کرمان از طرف کارفرما به این بهانه که "کار در این واحد معدنی با وضعیت فعلی صرفه اقتصادی ندارد" در خرداد سال جاری و بیکار شدن ۱۲۰۰ کارگر این معدن است. گودرزی دبیر قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی در نامه سرگشاده به مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشت "خصوصی‌سازی‌ها تعدیل و بیکاری بالغ بر ۵۰۰ هزار نیروی انسانی را در پی داشته است" (ایلنا-۱۳ / ۴ / ۱۴۰۱) بهرام اشکوری

شکست رژیم در مقابله با زنان، از هم اکنون قطعی است

رعب و وحشت در جامعه است. واکنش‌های تمسخر آمیزی که تاکنون زنان و مردان و عموم توده‌های مردم ایران نسبت به این اقدام جمهوری اسلامی بروز داده اند، به خوبی نشان می‌دهد که جامعه دست کم به لحاظ روانی از چنین مراحل عبور کرده و به سادگی مرعوب اینگونه اقدامات سرکوبگرانه رژیم نمی‌شود. از طرف دیگر همین که جمهوری اسلامی پیشبرد پروژه مقابله با "بدحجابی" را ابتدا به ساکن نه در متن جامعه بلکه در ادارات و بانک‌ها و بیمارستان‌ها شروع کرده است، خود نشان می‌دهد که هیات حاکمه ایران تا چه اندازه از واکنش اعتراضی زنان و مردم ایران به هنگام رویارویی نیروهای ویژه "ستاد امر و به معروف و نهی از منکر" در سطح خیابان‌ها بیم دارد. و لذا سعی دارد تا گام نخست این پروژه را در پستوی درون ادارات و بانک‌ها و مترو و بیمارستان‌ها به آزمایش بگذارد.

پوشیده نیست اجرای این پروژه سرکوبگرانه حتا در درون ادارات نیز باعث ایجاد ناامنی روانی برای پرسنل این ادارات در محیط کار خواهد شد. با شکل‌گیری یک چنین وضعیتی، نوعی ناامنی کاری در فضای ادارات و بانک‌ها و مترو و بیمارستان‌ها ایجاد خواهد شد که در این صورت نیز پیشبرد این پروژه تنش و ناخوشنودی را افزایش خواهد داد و لایه‌های بیشتری از جامعه به سطح رویارویی با جمهوری اسلامی کشیده خواهند شد.

نتیجه آنکه جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال سرکوب و استبداد، هر بار با شدت و ضعف بیشتر و کمتر تلاش کرده است تا پوشش حجاب اجباری را بر زنان تحمیل کند، اما هر بار در پی مقاومت زنان با شکست مواجه شده است. اینبار اما سرکوبگران جمهوری اسلامی در شرایطی به تشدید فشار و سرکوب زنان روی آورده اند، که کمترین شانس برای پیشبرد اقدامات سرکوبگرانه خود ندارند. این را شرایط اجتماعی جامعه در اوضاع انقلابی کنونی به ما می‌گوید. این را روند رو به رشد اعتصابات کارگری، گسترش مبارزات خیابانی معلمان و بازنشستگان، انگیزه قوی زنان برای ایستادگی و فوران خشم توده‌های مردم ایران در جای جای جامعه فریاد می‌زنند. این را گستردگی و از هم پاشیدگی درونی رژیم، شکست‌های پیاپی آن در عرصه‌های داخلی و خارجی و تشدید بحران‌های ناعلاج کنونی که بر گوی جمهوری اسلامی چنگ انداخته اند، به ما می‌گوید که شکست رژیم در مقابله با زنان، از هم اکنون قطعی است.

پی نوشت:

* عنوان "قرارگاه ۲۱ تیر" از واقعه ۲۱ تیر ۱۳۱۴ در مسجد گوهرشاد مشهد گرفته شده است. در پی فرمان کشف حجاب رضا شاه گروهی از روحانیون و تعدادی از مردم مشهد در اعتراض به این فرمان رضا شاه در تاریخ ۲۱ تیر در مسجد گوهرشاد مشهد تحصن کردند.

عضو هیئت نمایندگی اتاق بازرگانی می‌گوید: ۴۰ درصد معادن کشور تعطیل است و آن بخش فعال هم با افزایش تحریم‌ها، نیمه‌جان است و با تمام توان کار نمی‌کند".

صرفنظر از انفجارها و ریزش تونل‌ها و حوادث مرگبار دیگری که هر ساله تعداد زیادی از کارگران معدن را به کام مرگ می‌کشاند، صرفنظر از اینکه مشخص نیست کارگری که هر روز خانه را به قصد معدن ترک می‌کند، غروب به خانه بازمی‌گردد و صرفنظر از کار سخت و دشوار در شرایط شبه بردگی و دستمزدهای بسیار ناچیز زیر خط فقر، شوربختانه اما چشم‌اندازی برای ادامه کاری حتی همین کار پرخطر و ضمانت شغلی کارگر وجود ندارد و کارگر معدن در لبه پرتگاه اخراج و بیکاری قرار دارد. با ادامه سیاست اقتصادی نو لیبرال، وضعیت معادن و کارگران معدن بدون شک از اینکه هست بدتر و وخیم‌تر خواهد شد. کارگران معدن برای رسیدن به خواست‌های خود جز متشکل شدن، جز اتحاد و اعتصاب سراسری راه دیگری ندارند. راه دیگری در برابر کارگران معدن جز اینکه تشکل‌های خود را سازمان دهند، اعتصابات فرا واحدی و رشته‌ای و اعتصابات سراسری را سازمان دهند، موجود نیست.

حاکمیت ننگین ۴۳ ساله رژیم ارتجاعی و ضد کارگر جمهوری اسلامی به تمام کارگران ایران نشان داده است که تا این رژیم در قدرت باشد، در وضعیت کارگران اعم از کارگران معدن یا نفت و گاز و حفاری و کارگران دیگر صنایع و مؤسسات هیچ‌گونه بهبودی حاصل نخواهد شد. بدین اعتبار، راهحل قطعی معضلات کارگران معدن و سایر کارگران ایران، راهی از نظم سیاسی و اقتصادی حاکم است. نظمی که فقر و ناداری و بدبختی و استثمار خشن را بر کارگران تحمیل نموده و مشتی دزد و انگل و مرتجع و استثمارگر را تا حد ترکیدن از فریب‌های، متورم ساخته است. باید به نبردی سرنوشت‌ساز برخاست و این نظام فریب شده نابرابر و استثمارگری در برابر استثمارشدگان و زحمتکشان وجود ندارد جز اینکه نظم موجود را به زیر کشند و نظم نوین و شورایی خویش را مستقر سازند.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب

عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

چرایی "نظرسازی" های اخیر حاکمیت

جهالت را از سوی این افراد که چنین مسئولیت‌هایی را دارند نشان می‌دهد،" گفت: "دو سناریو بیشتر وجود ندارد، یا اینکه به فرموده فردی، باید مطلبی را تنظیم می‌کردند یا اینکه اساساً آگاهانه باید کاری می‌کردند که به عصبانیت مردم و بی‌اعتباری وضعیت موجود، منجر شود."

یک روز بعد (سه‌شنبه ۱۴ تیر) روزنامه ایران با اشاره به مطالبی که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در رابطه با این "نظرسازی" و نه "نظرسنجی" منتشر شده بود، با عنوان "قاتلان امید، ناراحت از امیدواری مردم"، نوشت: "گزارش روزنامه ایران از یافته‌های مراکز معتبر نظرسنجی و افکارسنجی کشور که از امیدواری ۷۰ درصدی مردم به آینده حکایت داشت، با برخی واکنش‌های سیاسی از سوی بعضی جریان‌های مخالف دولت روبه‌رو شد. این افراد گزاره‌های این یافته‌ها را زیر سوال برده و همچنان سعی در القای این مطلب داشتند که نشانه‌های امید به آینده یا رضایت از عملکرد دولت در حوزه‌هایی چون بهبود وضعیت جایگاه ایران در جهان و مقابله با کرونا و میزان رضایتمندی از زندگی غیرواقعی و چه بسا برساخته است. اما واقعیت این است که آنچه در گزارش شماره قبل ایران به آن استناد شد، متکی بر یافته‌های نظرسنجی سه نهاد معتبر وزارت اطلاعات، مرکز افکارسنجی صداوسیما و مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) است؛ نهادهایی که گزارش‌ها و یافته‌های پژوهشی آنها همواره مورد استناد چهره‌های دانشگاهی و دیگر مراکز تحقیقاتی داخلی بوده است."

جدا از این‌که تمام مردم ایران به‌خوبی از میزان و وسعت تنفر موجود در جامعه، تنفر و خشم عمیق کارگران و دیگر زحمتکشان نسبت به کل حاکمیت باخبر هستند و این موضوع هیچ احتیاجی به توضیح ندارد، برای بررسی اهداف رژیم از این "نظرسازی" ها، ابتدا یک نمونه از مواردی که در این "نظرسنجی" آمده است را بررسی می‌کنیم.

موضوع یکی از موارد این "نظرسنجی" رضایت عمومی و شادی در زندگی بود که در گزارش روزنامه ایران در این رابطه می‌خوانیم: "یافته‌های نظرسنجی‌های مراکز معتبر داخلی، وضعیت کاملاً متفاوتی در زمینه رضایت عمومی یا شادی ایرانیان در زندگی ارائه می‌کند. برخلاف سیاه‌نمایی مؤسسه‌های خارجی و تکرار آن از سوی برخی غرب‌گرایان داخلی، بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ میانگین نمره شادکامی ۴۱/۶۴ از ۱۰۰ بوده است." اسماعیلی وزیر ارشاد جمهوری اسلامی نیز روز جمعه ۱۷ تیر همین موضوع را تکرار کرد و گفت "بر اساس افکارسنجی انجام گرفته توسط جهاد دانشگاهی، شادکامی مردم ایران به حدود ۷۰ درصد رسیده است."

"شبکه راهکارهای توسعه پایدار" از نهادهای سازمان ملل متحد، سالانه گزارشی را تحت عنوان "گزارش رضایت جهانی" از میزان خوشبختی و رضایتمندی مردمان کشورها ارائه می‌کند و بر اساس نتایج بدست آمده کشورها را

در قیام آبان ۹۸ برخاست و توده‌های معترض را نیز مشت‌آشوب‌گر و اشرار خواند.

وضعیت فاجعه‌بار آب، برق، آلودگی هوا، گرد و غبار، فرونشست زمین، اعتیاد، تن فروشی، کودکان کار، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بیکاری و فقر هیچ‌کدام در رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی جایی ندارند، اما در عوض تا دلتان بخواهد اخبار رسانه‌های جمهوری اسلامی پُر است از دروغ در مورد نقش جمهوری اسلامی در جهان امروز، فعالیت‌های موشکی و نظامی و مانند آن. این‌که اسرائیل تا چند سال دیگر از نقشه جهان محو می‌شود و یا هراس نظامیان آمریکایی از جمهوری اسلامی و غیره. همین روزها شاهدیم که مساله حجاب زنان به موضوع اول سخنان مزدوران جمهوری اسلامی هم‌چون امامان جمعه تبدیل شده، اما نه تنها از وضعیت گرانی و تشدید رکود اقتصادی حرفی به میان نمی‌آید، بلکه مدعی می‌شوند که با سیاست‌های اقتصادی جدید جمهوری اسلامی "فاصله طبقاتی" کاهش یافته و از تعداد فقرا کاسته شده است!!

بنابراین دروغ گفتن چیز جدیدی برای مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های آن نیست. اما هدف از این "نظرسازی" ها تحت‌عنوان "نظرسنجی" در شرایط کنونی چیست؟

مجموعه شرایط وخیمی که این روزها کارگران و زحمتکشان ایران با آن درگیر هستند و اوضاع روز به روز بدتر می‌شود، بر ابعاد خشم و اعتراضات توده‌ای افزوده است. اعتراضات کارگران در نفت، معادن و سایر مراکز کارگری، معلمان، بازنشستگان، پرستاران روز به روز گسترده‌تر می‌شود و جامعه در شرایط کاملاً انفجاری قرار دارد. در چنین شرایطی رژیم همچنان مانند گذشته از ابزار سرکوب استفاده می‌کند. اما واقعیت بسیار مهم این است که جمهوری اسلامی با شرایط کاملاً متفاوتی نسبت به سال‌های گذشته روبه‌روست. این بار صدای پای انقلاب بلندتر از همیشه است، به‌گونه‌ای که افرادی از قماش رضا پهلوی و "اصلاح‌طلبان" نیز این صدا را شنیده‌اند. بارها مقامات جمهوری اسلامی در محفل‌ها و حتا سخنان علنی‌شان گفته‌اند که "کابینه رئیسی آخرین شانس جمهوری اسلامی است". اما در همین مدت کوتاه بر همگان ثابت گردید که از رئیسی و کابینه‌اش نیز کاری بر نمی‌آید و نه تنها کاری بر نمی‌آید بلکه بر شدت وخامت اوضاع افزوده شده است. برای نمونه برخلاف تمام شعارهای‌شان در مورد نقدینگی سرعت رشد نقدینگی در یک سال اخیر منتهی به اردیبهشت ماه به بالای ۳۷ درصد رسید. بحران اقتصادی رکود - تورمی نیز با شتابی بیش از گذشته تعمیق یافت. به‌رغم تمام وعده‌های‌شان در مورد خودکفایی در کشاورزی، به دلیل وضعیت فاجعه‌بار آب تنها در طول یک سال اخیر از نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی ۴۶۷ هزار نفر به اعتراف "مرکز آمار" کاسته شد که همه این‌ها به حاشیه شهرها هجوم خواهند آورد. یا در حالی که از رضایت مردم صحبت می‌شود، به اعتراف رسانه‌های جمهوری اسلامی بیش از ۷۰ درصد پزشکان و پرستاران بدنبال مهاجرت از کشور هستند، یعنی فرار از این شرایط وحشتناک. مردم خوزستان،

در نظر میزان رضایت و خوشبختی رتبه‌بندی می‌کند که در سال‌های اخیر کشور فنلاند در رتبه نخست این جدول قرار داشته است. در آخرین گزارش این نهاد وابسته به سازمان ملل که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد، بعد از فنلاند، کشورهای دانمارک، ایسلند، سوئیس و هلند قرار دارند. در این رتبه‌بندی مردم لبنان و افغانستان در انتهای جدول قرار دارند و ایران پس از مالی در رتبه ۱۱۶ قرار گرفت. در سال ۲۰۲۱ نیز رتبه ایران در لیست پایین‌تر از مالی، نیجریه و موزامبیک در رتبه ۱۱۸ قرار گرفته بود و در سال ۲۰۲۰ نیز در رده ۱۱۷ قرار داشت. ناگفته نماند که بر اساس نظرسنجی‌های موسسه "گالوپ" نیز ایران جزو ده کشور غمگین جهان است. بنابراین مردم ایران در تمامی این سال‌ها جزو ناخوشادترین و ناراضی‌ترین مردمان جهان قرار داشتند، اما "نظرسازان" جمهوری اسلامی برخلاف تحقیقات موسسه وابسته به سازمان ملل و دیگر موسسات نظرسنجی، مردم ایران را در ردیف شادترین مردمان جهان قرار دادند!! از دیگر "نظرسازی‌های" مضحکی که در گزارش روزنامه ایران آمده، می‌توان به رضایت مردم از حذف ارز ترجیحی، رضایت از اقدامات جمهوری اسلامی در مقابله با کرونا و کلا رضایت از بخش درمان و بهداشت، رضایت از جایگاه بین‌المللی "ایران" و بالاخره این‌که معضلات اقتصادی کنونی به‌خاطر اقدامات کابینه گذشته است، اشاره کرد. یعنی درست همان‌چیزی را که مقامات رسمی از جمله خامنه‌ای و رسانه‌های وابسته از جمله صدا و سیما روز و شب تبلیغ می‌کنند، موسسات نظرسنجی وابسته به حکومت از جمله موسسه وابسته به همان صدا و سیما نیز آن را تایید کردند!! و مگر قرار بوده و یا انتظاری است که این نهادهای حکومتی و افراد شاغل در آن که همگی جیرمخوار حکومت هستند، غیر از این کنند؟! اما چرا جمهوری اسلامی چنین دروغ‌های شایخانی را مطرح می‌کند که حتا مزدوران‌اش نیز اعتقادی به آن ندارند و به‌واقع جمهوری اسلامی چه هدفی را از این کار دنبال می‌کند؟ پاسخ این سوال به شرایط کنونی جامعه برمی‌گردد. اما قبل از این‌که به شرایط کنونی جامعه بپردازیم ابتدا لازم به تاکید است که دروغ گفتن، انکار حقایق و واژگونه جلوه دادن آن‌ها موضوع جدیدی در جمهوری اسلامی نیست و این را ما همواره دیده و شنیده‌ایم. جمهوری اسلامی همواره سعی می‌کند نقش خود را در بروز شرایط فاجعه‌بار کنونی انکار کند. یا مسئولیت این شرایط را به گردن "دشمن خارجی" و "عوامل بیگانه" می‌اندازد یا از اساس موضوع را انکار می‌کند و آن‌چنان از شرایط خوب مردم سخن می‌گوید که گویی صحبت از یک ایران دیگر در میان است. سخنان خامنه‌ای در مورد اعتراضات توده‌ای هم‌چون قیام آبان ۹۸ و اشرار خواندن مردم معترض یک نمونه است. رژیم به‌جای تمکین در برابر خواست مردم با سرکوب وحشیانه و قتل و کشتار و به‌بندکشیدن معترضان به مقابله با توده‌های جان به لب رسیده

چرایی "نظرسازی" های اخیر حاکمیت

سیستان و بلوچستان و دیگر استان‌های کشور با مشکل آب آشامیدنی روبرو هستند، یعنی بدیهی‌ترین نیاز انسان از دسترس مردم خارج شده است. نیمی از مردم چهارمحال بختیاری که یکی از استان‌های پُر آب ایران بود، هم‌اکنون با مشکل آب آشامیدنی روبرو شده‌اند.

بنابراین همان‌طور که در بالا آمد، نارضایتی و خشم متراکم توده‌ها روز به روز به انفجار نزدیکتر می‌شود، اما جمهوری اسلامی به تنها ابزاری که برای بقاء همچنان امید دارد، دستگاه سرکوب متشکل از نیروهای نظامی، پلیس، وزارت اطلاعات، دستگاه قضایی و مانند آن‌هاست. از همین رو جمهوری اسلامی برای جلوگیری از دودلی و شکاف و ترس در میان دستگاه سرکوب و حتا بوروکراسی در رده‌های بالاتر حکومتی، نمی‌تواند به شرایط فاجعه‌بار کنونی جامعه اعتراف کرده و اعتراضات و نارضایتی توده‌ها را بپذیرد. پذیرش این موضوع برای جمهوری اسلامی که در راس آن جنایتکاری به نام خامنه‌ای قرار دارد یعنی پذیرش شکست، اعترافی که در قاموس جمهوری اسلامی نمی‌گنجد. بنابراین برعکس سعی می‌کند به این نیروها همچنان این‌گونه القا کند که کابینه رئیسی در مسیر درستی قرار دارد و جمهوری اسلامی در "بن‌بست" نیست!! این نظرسنجی‌ها البته همین پیام مشابه را در کشورهایی که جمهوری اسلامی در آن‌ها درگیر است، برای مزدوران خارجی‌اش همچون شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان دارد. مانند دیگر نمایش‌های تبلیغاتی رژیم که در واقع چیزی نیستند جز مانورهای تبلیغاتی فریبنده با هدف نمایش "قدرت و اقتدار" جمهوری اسلامی، قدرت و اقتداری که در سرآشوب افول و رو به پایان است.

در هفته‌های اخیر شاهد بودیم که چگونه خامنه‌ای از هر فرصتی استفاده کرد تا به عوامل جبرمخوار خود امید بدهد و مانع شکاف در بین دستگاه‌های دولتی شود. در واقع این "نظرسازی" اخیر هم چیزی نیست جز تلاشی مذبحخانه برای تایید سخنان خامنه‌ای و تامین نظرات او که بتواند در سخنرانی‌های آینده به این "نظرسازی" ها هم رجوع بدهد.

اما واقعیت این است که این روش‌ها در شرایط انقلابی حاکم بر جامعه دیگر کاربردی ندارند، بلکه برعکس می‌توان گفت نتایج معکوسی برای رژیم - حتا در درون نیروهای خودی آن - خواهد داشت. رژیم نه تنها با موج اعتراضات انقلابی توده‌ای روبروست، بلکه از درون نیز رو به فروپاشی است.



زنده باد اعتصاب، زنده باد اتحاد

روز پنجشنبه در سومین روز اعتصاب کارگران معدن سونگون ورزقان، نیروهای مزدور یگان ویژه برای سرکوب کارگران وارد عمل شده و با یورش به کارگران اعتصابی، اقدام به دستگیری چند تن از آن‌ها کردند. تاکنون دستگیری دو کارگر با نام‌های سعید جباریان و فرزاد زالی‌زاده در شبکه‌های اجتماعی اعلام شده است.

کارگران پیمانی شرکت‌های آهن‌آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی شاغل در مجتمع معدن سونگون ورزقان از روز سه‌شنبه ۱۴ تیرماه در اعتراض به دستگیری دو تن از کارگران با نام‌های ولی‌الله محمودی نماینده کارگران پیمانی شرکت آهن آجین و ارشد کاظم‌پور، توسط نهادهای امنیتی و سرکوب رژیم و در ادامه مبارزات خود برای همسان‌سازی حقوق با کارگران رسمی و دیگر کارگران معدن و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، دور جدید اعتراضات خود را با اعتصاب و تجمع در محل کار آغاز کردند.

آخرین اعتصاب این کارگران در ماه خرداد بود که با وعده کارفرما به کار بازگشتند، اما با عدم تحقق خواست‌های‌شان از اوایل تیر ماه حجم استخراج و باطله‌برداری معدن را به یک سوم کاهش داده و اعلام کرده بودند تا تحقق خواست‌های‌شان با این روش اعتراض خود را ادامه خواهند داد.

"قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء" وابسته به سپاه از جمله کارفرمایان اصلی این معدن می‌باشد و از همان اولین روز اعتصاب، نیروهای مزدور یگان ویژه با حضور در معدن و حتا شهر ورزقان سعی کردند با ایجاد رعب و وحشت کارگران را از ادامه اعتصاب منصرف کنند.

در روز چهارشنبه و در دومین روز اعتصاب نیز ۳ کارگر دیگر با نام‌های جعفر عباسپور، مهرداد منفرد و خدایی توسط نهادهای امنیتی و سرکوب رژیم بازداشت شده بودند که براساس اخبار منتشره تمامی ۵ کارگر بازداشتی به زندان اهر منتقل شده‌اند. در همان روز مدیریت مجتمع مس سونگون با تعطیلی آشپزخانه حتا مانع انتقال آب آشامیدنی برای کارگران شده بود.

اعتصاب حق کارگران است. اعتصاب سلاح کارگران در مبارزه برای رسیدن به خواست‌های‌شان در برابر کارفرمایی‌ست که از حمایت دولت و نیروهای نظامی و سرکوب آن نیز برخوردار است. سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن محکوم نمودن اقدام فاشیستی نیروهای مزدور یگان ویژه، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی کارگران زندانی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از خواست‌های کارگران اعتصابی، براین عقیده است که ضرورت امروز، اعتصاب سراسری کارگران معدن در تمامی نقاط کشور است، اعتصابی برای تحقق شرایط کاری مناسب و امن و دستمزدی که تمامی هزینه‌های یک خانوار را تامین کند. سال‌ها مبارزات کارگران معدن در اقصا نقاط کشور این را ثابت کرده است که اتحاد کارگران برای مقابله با سرمایه‌داران و دولت حامی سرمایه‌دار تنها راه نجات کارگران از این بردگی است.

مرگ بر این بردگی، مرگ بر این همه ظلم. کارگران متحد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۶ تیرماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

**زنده باد
سوسیالیسم**

زد و بند با دولتی تروریست، گروگان گیر و باجگیر

احتمالاً دیگر کشورهای اروپایی بر سر آزاد کردن دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی به نام اسدالله اسدی است که در سال ۲۰۱۸ به همراه سه مزدور دیگر وزارت اطلاعات، مهرداد عارفانی، امیر سعدونی و نسیمه نعیمی همدرستان وی تلاش داشتند در گردهم‌آئی سازمان مجاهدین خلق در فرانسه بمب‌گذاری کنند، اما دستگیر شدند و اقدام جنایتکاران آن‌ها ناکام ماند.

پس از سه سال رسیدگی به این پرونده، سرانجام، دادگاه تجدیدنظر در شهر آنتورپ بلژیک ۱۰ مه (۲۰ اردیبهشت) با تأیید حکم دادگاه پیشین، حکم قطعی خود را صادر کرد. بر اساس رأی دادگاه، امیر سعدونی و نسیمه نعیمی هر یک به ۱۸ سال و مهرداد عارفانی به ۱۷ سال زندان محکوم شدند. مطابق همین رأی، تابعیت بلژیکی همه محکومان لغو شد. حکم محکومیت قطعی اسدی به ۲۰ سال حبس قبلاً صادر شده بود. با قطعیت یافتن این احکام راهی برای جمهوری اسلامی باقی نماند جز این‌که به شیوه معمول خود دست به گروگان‌گیری بزند و وارد معامله‌ای بزرگتر با دولت بلژیک شود.

انتشار خبر زد و بند دولت بلژیک و جمهوری اسلامی بر سر آزاد کردن تروریست‌های وابسته به وزارت اطلاعات رژیم، واکنش‌های گسترده‌ای را در میان مخالفان جمهوری اسلامی در پی داشت. سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، گروه‌هایی از فعالان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، خانواده‌های داخوخواه و سازمان‌های حقوق بشری نسبت به اقدام دولت بلژیک اعتراض کردند. تظاهرات و تجمعی از سوی مخالفان رژیم برگزار شد. سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای که روز سه‌شنبه ۱۴ تیر منتشر کرد، از دولت بلژیک خواست بلادرنگ تضمین کند که لایحه مربوط به تبادل زندانیان بین آن کشور و جمهوری اسلامی ایران، تعهدات بلژیک در زمینه قوانین بین‌المللی حقوق بشر را نقض نخواهد کرد.

البته اقدام دولت بلژیک نه اولین زد و بند دولت‌های اروپایی با رژیم آدمکش و تروریست جمهوری اسلامی است و نه آخرین آن خواهد بود، بلکه شکل تکامل‌یافته و به‌اصطلاح قانونی آن است که راه را بر اقدامات تروریستی، گروگان‌گیری و باج‌گیری‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی هموارتر خواهد کرد. پیش‌از این نیز، نمونه‌های مختلفی از این زد و بندها را دیده‌ایم. سال‌ها پیش، آدمکشان وزارت اطلاعات رژیم، قاسم‌لو دبیر کل حزب دمکرات کردستان را بر سر میز مذاکره در اتریش کشتند، اما دولت اتریش اجازه داد که این آدمکشان پس از ترور، به‌سادگی خاک این کشور را ترک کنند. علت آن‌هم پوشیده نبود. دولت اتریش نمی‌خواست به منافع اقتصادی و سیاسی این کشور در مناسبات با جمهوری اسلامی لطمه‌ای وارد آید. دولت فرانسه نیز وکیل‌ی‌راد قاتل شاپور بختیار را که به حبس ابد محکوم شده بود، به بهانه مبادله با یک شهروند فرانسوی آزاد کرد و به ایران بازگرداند. دولت آلمان، دارایی، قاتل

شرف‌کندی و تعداد دیگری از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران را در رستوران می‌کونوس که آن‌همه انعکاس داشت و بالاخره به حبس ابد محکوم شده بود، پس از پانزده سال آزاد کرد و به ایران بازگرداند. پرونده ترور دو تن از پناهندگان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در هلند بدون این‌که اقدامی جدی صورت گیرد، با اخراج دو دیپلمات جمهوری اسلامی از هلند در سال ۹۷ به‌عنوان عنصر نامطلوب، مختومه اعلام شد. بنابراین روشن است که ماجرای اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خاک اروپا، عدم برخورد جدی و زد و بند دولت‌های اروپایی با جمهوری اسلامی اتفاق جدیدی نیست. ماجرای است که همچنان ادامه دارد.

اما اقدام رسوای دولت بلژیک نه‌فقط پوشالی بودن ادعای دولت‌های بورژوازی اروپایی را در مورد رعایت حقوق بشر و مبارزه با تروریسم نشان داد، بلکه یک بدعت جدید است که راه را برای تشدید اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی علیه مخالفین و گروگان‌گیری و باج‌گیری‌های از همین دولت‌ها هموارتر خواهد ساخت. از این‌پس جمهوری اسلامی می‌تواند به‌راحتی ترور کند، بدون این‌که نگران تروریست‌های خود باشد. حتی در مواردی که کار به دستگیری و دادگاه بکشد، به‌راحتی می‌تواند آن‌ها را با پوشش یک چنین قراردادهایی آزاد کند. چراکه در واقع آنچه بلژیک انجام داد، می‌تواند الگویی برای دیگر کشورهای اروپایی باشد. بعید است آنچه دولت بلژیک انجام داده، تصمیم فردی خود این دولت باشد، بلکه بیشتر به نظر می‌رسد، نتیجه بده و بستان‌هایی باشد که بین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد.

برای کشورهای اروپایی آنچه مهم است نه به‌اصطلاح حقوق بشر و یا جان پناهندگان ایرانی، بلکه منافع اقتصادی و سیاسی آن‌هاست. این واقعیتی است که به‌رغم اختلافاتی که میان جمهوری اسلامی و کشورهای اروپایی وجود داشته و دارد، این دولت‌ها همواره مناسبات حسنه‌ای با جمهوری اسلامی داشته‌اند. یکی از دلایل آن در این است که بقای جمهوری اسلامی در ایران جزئی از استراتژی منطقه‌ای اتحادیه اروپاست و دلیل دیگر، بازار ایران برای صدور سرمایه و مبادلات اقتصادی است. در اوضاع سیاسی کنونی جهان نیز که تضاد میان قدرت‌های بزرگ جهان تشدید شده، کشورهای اروپایی مایل‌اند که مناسبات خود را با جمهوری اسلامی بیش از گذشته بهبود بخشند و علاوه بر این در شرایطی که نیاز جدی به نفت دارند بتوانند آن را وارد بازارهای اروپا کنند. بنابراین وقتی‌که پای منافع اقتصادی و سیاسی بزرگتر در میان باشد، مسئله اسدی و نوری و تروریسم جمهوری اسلامی برای آن‌ها مسائلی بی‌اهمیت‌اند. عین همین ماجرا در مورد جمهوری اسلامی را به شکلی دیگر چند روز پیش‌از این در مورد توافقنامه ننگین دولت‌های سوئد و فنلاند با ترکیه در جریان پذیرش آن‌ها به عضویت ناتو برای تحویل دادن مخالفان سیاسی دولت ترکیه به این

کشور دیدیم.

فراتر از آنچه تاکنون گفته شد، هم‌زمان با علنی شدن ماجرای این قرارداد، وزیر دادگستری بلژیک ۵ ژوئیه (۱۴ تیر) تأیید کرد که یک شهروند این کشور در ۲۴ فوریه در ایران بازداشت شده است. وی گفت که وظیفه اخلاقی دولت بلژیک است تا به وندکاستیل و سایر شهروندان بی‌گناه این کشور کمک کند نزد خانواده‌هایشان برگردند.

از سوی دیگر رسانه‌های بلژیکی اعلام کردند که یک شهروند این کشور به نام «الیویه وندکاستیل»، از تاریخ ۲۴ فوریه در تهران زندانی است. وندکاستیل عضو سابق سازمان امداد بین‌الملل و چند سال مدیر سابق دفتر شورای پناهندگان نروژ در ایران بوده است.

روشن است که در این مورد نیز بازهم این دولت‌ها به‌سادگی با پایمال کردن حقوق پناهندگان سیاسی ایران و قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی، تسلیم باج‌گیری جمهوری اسلامی شده‌اند. یکی از شیوه‌های جمهوری اسلامی همواره این بوده است که با گروگان‌گیری و باج‌گیری سیاست‌های تروریستی خود را پیش ببرد.

این دیگر اسباب رسوایی بیشتری برای دولت بلژیک است. اولین باز نیست که رژیم جمهوری اسلامی با آدم‌ربایی و گروگان‌گیری از دولت‌های خارجی باج می‌گیرد و آن‌ها با پذیرش خواست‌های جمهوری اسلامی عملاً مشوق آن در گروگان‌گیری و باج‌خواهی شده‌اند. فردا هم شاهد همین ماجرا در مورد شکنجه‌گر دستگاه امنیتی رژیم، حمید نوری خواهیم بود که در کشتار سال ۶۷ زندانیان سیاسی نیز دست داشته است.

به‌رغم اعتراضات و مخالفت‌های گسترده‌ای که نسبت به این اقدام شرم‌آور دولت بلژیک صورت گرفت، پوشیده نبود که وقتی دولت این کشور بر سر یک چنین قراردادی با جمهوری اسلامی توافق کرده و این قرارداد مستقیم و غیرمستقیم مورد تأیید اتحادیه اروپا نیز قرار دارد، در پارلمان هم که اکثریت با کابینه است، به تصویب خواهد رسید. وزیر دادگستری بلژیک حتی برای تصویب این قرارداد به تهدید هم متوسل شد و روز چهارشنبه خطاب به پارلمان گفت که " این موضوع از اهمیت امنیتی بالایی برخوردار است. اگر این توافق فوراً تصویب نشود، تهدید علیه منافع بلژیک و حتی شهروندان بلژیکی افزایش خواهد یافت." سرانجام هم‌گروه روابط خارجی پارلمان بلژیک در تاریخ ۵ ژوئیه ۲۰۲۲ برابر با ۱۴ تیر ۱۴۰۱ این قرارداد را تصویب کرد و قرار است، جلسه علنی پارلمان نیز مهر تأیید بر آن بزند و پایان ماجرا اعلام گردد.



زد و بند با دولتی تروریست، گروگان گیر و باجگیر

کردند. از آنجائی که معمولاً قراردادهای باید به تصویب پارلمان برسد، در نیمه اول تیرماه، وزیر دادگستری بلژیک آن را برای تصویب به پارلمان ارائه داد و ماجرا علنی گردید. به گزارش سایت پورو نیوز فارسی، خبرگزاری فرانسه " در گزارشی بر اساس نسخه‌ای از توافق دو جانبه نوشت که این معاهده در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۲۲ (۲۰ اسفند ۱۴۰۰) در بروکسل بین وزارت دادگستری بلژیک و غلامحسین دهقانی سفیر ایران در این کشور امضا شده است. متن معاهده می‌گوید که «بهترین راه» برای تقویت همکاری کیفری این است که به محکومین

اجازه داده شود محکومیت خود را در محیط اجتماعی مربوط به خود بگذرانند؛ بنابراین اگر آن‌ها در کشور دیگر امضاکننده مجازات شده‌اند به کشورشان منتقل می‌شوند. طبق ماده ۱۳ این توافق‌نامه، دو کشور می‌توانند بعد از انتقال محکومین، طبق قانون اساسی یا مقررات دیگر، محکوم را عفو کنند یا در مجازات او تخفیف قائل شوند." از مفاد این قرارداد هم آشکار است که این معاهده یک قرارداد معمولی میان دو دولت بر سر مبادله زندانیان با یکدیگر نیست. اصل قضیه، توافقات پشت پرده میان دولت بلژیک و در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید. شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 978 July 2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی